

تحلیل و واکاوی جزایی تحول مفهوم امنیت در قوانین کیفری

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۶/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۲/۱۲)

دکتر کیوان مرادی زاده

مؤلف کتب حقوقی

پژوهشگر برگزیده کشوری و دارای تندیس پژوهشگر برتر از موسسه قانون یار در سال ۱۳۹۹

چکیده

امنیت فرد در برابر هرگونه تهدیدی به تمامیت جسمانی و رهایی او از هر نوع اقدام خودسرانه- ای که آزادی وی را مورد تعرض قرار دهد، آزادی و امنیت شخصی است. امنیت شخصی بدین معناست که از هیچ فردی نمی توان سلب آزادی کرد مگر بر مبنای قانون و با دستور مرجع صالح قانونی و با پیروی از ساز و کارهایی که با احترام به اصل آزاد بودن افراد در متون قانونی پیش بینی شده است. مفهوم امنیت از شکل گیری اولین جوامع تا کنون تغییرات و تحولات زیادی داشته است، حوزه امنیت با توجه به نظریات سیاسی، تحولات اقتصادی و وقایع جهانی دچار تغییراتی شده است. امنیت در گذر زمان و با توجه به نیازهای روز خود را تکامل بخشیده است. در ابتدا امنیت تنها شامل امنیت ملی بوده است اما اکنون شامل امنیت اقتصادی، امنیت فردی، امنیت اجتماعی و امنیت زیست محیطی نیز می شود. اما بحث عمده امنیت و تغییرات مهم امنیت در سده اخیر شکل گرفته است و تمرکز ما برای بحث امنیت و تاریخچه آن و تحولاتش بیشتر بر سده اخیر نظر دارد.

واژگان کلیدی: امنیت، امنیت ملی، حقوق کیفری، تعرض به جسم و مال، اصل آزاد بودن

افراد، تهدید

بخش اول: مفهوم امنیت

امنیت در لغت به معنای مصون بودن از هر گونه تهدید و تعرض است. در فرهنگ لغات آکسفورد امنیت به معنای وضعیت و احساس ایمن بودن است و ایمن بودن به معنای محافظت در برابر خطر یا ترس، ایمنی در برابر تهاجم معنا شده است. در آغاز و در ادوار گذشته «امنیت» بیانگر نوعی «تضمین» فیزیکی برای وجودی عینی نظیر شخص، خانواده، قبیله، حکومت و... بود. با پیشرفت جوامع انسانی، «امنیت» بتدریج مفهومی گسترده و پیچیده به خود گرفت که علاوه بر فقدان تهدید و ترس بیانگر تضمینی نیز برای رشد و پیشرفت، تعلیم و تربیت، شکوفایی استعدادها، توسعه جوامع انسانی و ضامن حفظ حیات مادی و معنوی می باشد. به طور کلی در مفهوم امنیت سه رکن اساسی قرار دارد: ۱- فقدان تهدید و ترس یا اطمینان به خود و ادامه حرکت؛ ۲- آزادی و روشنی آینده حرکت و فعل انسان و جامعه. به همین جهت گاه امنیت را به معنای ۳- آزادی نسبی یا آزادی مطلق برای حفظ موجودیت خود و ارتقاء آن دانسته اند.^۲

بخش دوم: سیر تحول امنیت فردی در ایران

صدها سال پیش از منشور کبیر انگلستان و در دوران باستانی اشوزرتشت پیامبر ایرانی بود که از آزادی و امنیت فرد سخن راند و نمونه‌های آنرا برشمرد. زرتشت در یسنا، کات ۱۲، بند ۳، می گوید: من آزادی رفت و آمد و آزادی خانه و کاشانه را بری هرکس که با چارپایانش بر روی زمین به سر می برد گرامی می دارم. به زیان و ویرانی روستای مزدپرستان دست نیازم و آهنگ تن و جان کس نکنم. صدها سال پس از این سخنان زرتشت، در دین اسلام که به سرعت بیشتر مردم ایران به آن ایمان آوردند. مفاهیمی که در پیوند با امنیت فردی قرار دارند

^۱ security

^۲ حمید بهزادی، اصول روابط بین الملل و سیاست خارجی، تهران انتشارات کتابفروشی دهخدا، ۱۳۵۲، ص ص ۱۰۱ -

^۳ ناصرزاده، هوشنگ، آیین دادرسی کیفری، سلب آزادی تن، بازداشت و حبس در حقوق ایران، تهران، دیدار، ۱۳۷

تأکید گردید. با وجود ادبیات دینی که به آنها اشاره شد تا سده ۱۹ قرن میلادی که ایران با اروپای بیرون آمده از رنسانس و نواندیشی روبرو شد، مفهوم آزادی و امنیت فرد در ایران شناخته شده نبود. شکست ایران از روسیه موجب گردید تا روشن اندیشان نظام سنتی را به هم بریزند و به فکر نظام نوین بیافتند. در جنس نوگرایانه ایرانیان حق آزادی فردی جایگاه ویژه‌ای داشت بدیهی بود تا امنیت افراد در برابر هرگونه خودسری تضمین نگردد و هر لحظه فرد جان، مال و آزادی خود را در معرض تهدید ببیند امکان نیل به سایر آزادیها وجود نداشت. افزون بر این در جامعه سنتی که فرمانروایان هر چند وقت یکبار به طمع مال صاحبان سرمایه می‌افتادند و در این راستا آنها را به زندان می‌انداختند یا حتی می‌کشتند توسعه سیاسی و اقتصادی امکان نداشت. از این رو مطالبه حق امنیت فردی در عصر بیداری ایرانیان جایگاه ویژه‌ای داشت. به دنبال ایجاد مشروطیت و قانون اساسی در ایران، مصادیق امنیت شخصی نیز به رسمیت شناخته شد و سپس در هفتاد و دو سال مشروطیت گامهای اساسی در راستای تضمین این حقوق برداشت. به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ در نظام سیاسی جدید ایران باز هم بر حق امنیت فردی تأکید داشت.

بند اول: عصر بیداری ایرانیان

به دنبال شکست ایران از روسیه در دوره‌ی اول جنگهای ایران و روس، شاهزاده عباس میرزا ولیعهد ایران دانشجویان را برای آگاهی از پیشرفت‌های جهان غرب، به اروپا گسیل داشت. در میان همین دانشجویان بود که احترام به حقوق فردی جوانه زد میرزا صالح شیرازی یکی از همین دانشجویان بود که تلاش نمود از نگرش نوین اروپاییان به آزادی فهم اولیه را به دست آورد و ایرانیان را با آن آشنا کند. ولی در سفرنامه‌ای که در سال ۱۲۳۵ ه.ق نگاشت به امنیت فردی اشاره نمود. میرزا صالح شیرازی در هنگام بیان وضعیت انگلستان، در مسئله ممنوعیت سلب خودسرانه آزادی و ممنوعیت شکنجه را یادآوری کرده و بیان می‌کند:

«در انگلستان احدی از آحاد ناس را تنبیه نمی کنند مگه به قاعده و قانون ولایت، هرگز هیچ کدام از معتمدین بدون تقصیر و ناحق تنبیه نمی شوند.»^۱

۱۹ سال پس از میرزای شیرازی، در سال ۱۲۴۵ ق.، شاهزاده بهمن میرزا برادر محمدشاه فرمانروای وقت ایران در گزارش درباره‌ی وضعیت جهان به موضوع امنیت فردی در انگلستان اشاره می کند: «کل اهل انگلستان آزادند و پادشاه یا غیر، حکم به آنها ندارند». بدین ترتیب فهم اولیه امنیت فردی در ایران پدیدار گردید و این موضوع در آغاز پادشاهی ناصرالدین شاه و در عصر صدارت میرزا تقی خان امیرکبیر در پاره‌ای از اقدامات دولت متبلور شد. در ۱۲۶۶ ناصرالدین شاه طی فرمانی ممنوعیت شکنجه را اعلام کرد. در قسمتی از این فرمان اعلام می گردد: «حکام ولات مکرر بندگان خدا را خواه به جهت اقرار تقصیری که متهم می شوند خواه محض ابراز جایی که اموالشان پنهان بوده به شکنجه می گذارند. چنین حرکات، منافی مروت و احکام شرع و خلاف رأی اقدس شهریار است. لهذا قذغن می فرمائیم که به هیچ بهانه متهمین را شکنجه نگذارند. پس از آنکه تقصیر متهمین ثابت و محقق گردید به اندازه‌ی تقصیرشان گرفتار همان سزای عرض و شرعی گردند»^۲ در ادامه این فرمان تأکید شده بود که هر حاکمی به شکنجه متهمان مبادرت ورزد مورد مواخذه و سیاست قرار میگیرد افزون بر فرمان ممنوعیت شکنجه، در عصر صدارت امیرکبیر، صدراعظم ایران به فکر ایجاد کنسلیتوسیون می افتد. بدین معنا که اداره مملکت بر پایه قواعد مشخص استوار گردد که به این مبنا حقوق و جان و مال افراد از اعمال خودسرانه مصون گردد. شکست اصلاحات امیرکبیر که با عزل وی از صدارت و به دنبال آن کشتن او محقق گردید. این موضوع را ثابت می نماید که اولین گام در راه اصلاحات ایجاد قانون است. از این رو برخی از ایرانیان آشنا با

^۱ فریدون، آدمیت، فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطه، تهران، سخن، ۱۳۴۰، ص ۳۳ و ۳۲

^۲ بهمن میرزا قاجار، رساله‌ای در باب اوضاع جهان، نسخه خطی

^۳ آدمیت، همان، ص ۵۴

^۴ Constitution

^۵ فریدون، آدمیت، مقالات تاریخی تهران، شبگیر، مرداد ۱۳۵۲، ص ۸۶

تمدن اروپایی در صدد نیل به حاکمیت قانون برآمدند و در این راستا رساله‌ها نوشتند. رساله‌های قانونی پیشنهادی با الهام از قوانین انگلستان و فرانسه، ماهیتی در راستای تضمین حقوق فردی داشت. از این رو موضوع امنیت فردی در این قانونهای پیشنهادی از اهمیت زیادی برخوردار بود یکی از اولین رساله‌های قانونی که به ناصرالدین شاه نیز عرضه گردید طرح میرزا ملکم خان به نام دفتر تنظیمات بود که وی در سال ۱۲۷۶ ق به شاه به عنوان قانون اساسی پیشنهادی تقدیم کرده بود.

بند دوم: عصر مشروطیت

متمم قانون اساسی مشروطیت در فصل دوم خود به نام حقوق ملت، هفده اصل را به عنوان حقوق مردم ایران به رسمیت شناخت. این اقدام در واقع سنگ بنایی برای شناسایی اصول حقوق بشری در ایران بود. چند اصل از اصول قانون اساسی مشروطیت به مفاهیمی در پیوند با امنیت فردی اختصاص یافت اصل نهم بر ممنوعیت هرگونه تعرض به جان و مال و مسکن افراد و اصل دوازدهم بر قانونی بودن جرم و مجازات تأکید داشت. اما اصل دهم متمم قانون اساسی مشروطیت، که مصداق کامل حق آزادی و امنیت مشخص به شمار می رفت، این اصل به ممنوعیت سلب خودسرانه آزادی و نیز حق تفهیم اتهام متهم می پرداخت، در اصل دهم بیان می گردد. «غیر از مواقع ارتکاب جنحه و جنایات و تقصیرات عمدیه، هیچ کس را نمی توان فوراً دستگیر نمود مگر به حکم کتبی رئیس محکمه عدلیه بر طبق قانون و در آن صورت نیز باید گناه مقصر فوراً یا منتهی در ظرف ۲۴ ساعت به او اعلام و اشعار شود». ^۱ به دنبال استقرار نظام مشروطیت و بر اثر ملزومات ناشی از قانون اساسی و متمم آن، دولت و مجلس شورای ملی در صدد برآمدند تا قانون آیین دادرسی کیفری را تدوین نمایند. در دوره دوم مجلس شورای ملی و در سال ۱۳۳۰ ق «قانون وقت اصول محاکمات جزایی» تدوین شده و به تصویب رسید. در وهله اول قانونمند کردن جلب و دستگیری و و بازداشت اشخاص به تنهایی ارزشمند بود.

^۱ قسمت قوانین مجلس شورای ملی، قانون اساسی و متمم آن، تهران، اصغر علیشاه، ۱۳۴۶، ص ۳۳ و ۳۴

جدای از این، موارد دیگری نیز در راستای حفظ آزادی متهم در قانون موقتی اصول محاکمات جزایی بازتاب پیدا کرد. چنانچه در ماده ۱۲۱ بر ضرورت مستند کردن اقدام بازپرسی در جلب متهم تأکید می گردد. در این ماده بیان گردید:

«مستنطق نباید کسی را احضار یا جلب کند مگر دلایل کافی برای احضار یا جلب در دست داشته باشد» ماده ۱۲۳ قانون یاد شده نیز بازپرس را مکلف کرد که که حداکثر به مدت ۲۴ ساعت از متهم که به نزد بازپرس حاضر شده، تحقیق نماید. ماده ۱۲۴ نیز تأکید داشت که به هر حال در هر صورتی که وضعیت ماده ۱۲۳ رخ بدهد، نباید متهم بیش از ۲۴ ساعت در توقیف مانده باشد و از او تحقیق صورت نگیرد. قانون موقتی اصول محاکمات جزایی همچنین از این دیدگاه که بازداشت را اختیاری اعلام می کرد نیز برای حقوق ناظر بر آزادیهای متهم اهمیت داشت. در عصر پادشاهی پهلوی وجود دیکتاتوری به طور طبیعی زمینه را برای تعدی به امنیت فردی فراهم ساخت اما نیرومندتر شدن دولت و ایجاد تشکیلات نوین دادگستری و نیز اصلاحات در قانون آئین دادرسی کیفری امکان حاکم کردن نظام دادرسی عادلانه و منصفانه تر را به وجود می آورد. نظام دادرسی کیفری که در آن حقوق ناظر به آزادیهای متهم نیز بیش از پیش حفظ گردد. در سالهای آغاز پادشاهی رضاشاه، روشنفکران و حقوقدان همچون مشیرالدوله باز عدلیه در ایران به شاه توصیه می کنند که تأمین امنیت افراد در پناه دادگستری را سرلوحه اعمال خود نماید. در چنین اوضاع و احوالی ایجاد دادگستری از یک سو و تصویب مواد ۲۴ و ۳۸ اصلاحی قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۱۱ ه.ش اقداماتی سودمند در راستای تضمین حقوق ناظر بر آزادیهای متهم بودند. براساس ماده ۳۸، متهم حق داشت از بازپرس که یگانه مرجع برای صدور قرار بازداشت موقت بود رفع توقیف را بخواهد و چنانچه تا ۵ روز از تاریخ تسلیم تقاضانامه به بازپرس تقاضای او انجام نمی شد متهم می

^۱ غلامرضا، حجتی اشرفی، مجموعه کامل قوانین و مقررات جزایی «با آخزین اصلاحات و الحاقات، تهران، گنج دانش،

ج ۶، ۱۳۶۶، صص ۴۰-۳۹

^۲ آشوری، همان، ص ۶۳

^۳ محمدابراهیم، باستانی پاریزی، محیط سیاسی و زندگانی مشیرالدوله (حسن پیرنیا)، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۴، ص ۳۴

توانست تا ده روز پس از ۵ روز یاد شده به دادگاه ابتدایی شکایت نماید. متهم قادر بود از این حق خود در امور جنحه در دو ماه یکبار و در امور جنایی هر چهار ماه یکبار استفاده کند. افزون بر ماده ۳۸ در ماده ۲۴ گامی در جهت حفظ آزادی متهم برداشته شد و آن مکلف کردن شهربانی به اینکه بیش از ۲۴ ساعت نمی‌تواند متهمی را در توقیف نگاه دارد.^۱ پس از اصلاحات، دیگر تا سال ۱۳۵۲ در زمینه حقوق ناظر بر آزادیهای متهم در قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحاتی به عمل نیامد. اما در سال ۱۳۵۲ قانون به نام تسریع رسیدگی و اصلاح قسمتی از قانون آیین دادرسی کیفری به تصویب مجلس شورای ملی رسید. این قانون برای حقوق ناظر بر آزادیهای متهم یک پیامد سودمند و یک پیامد زیانبار داشت. پیامد سودمند آن همانا تبدیل نظام، بازداشت موقت نامحدود، به نظام بازداشت، موقت محدود با قابلیت تمدید متوالی^۲ و پیامد زیانبار آن به رسمیت شناخته شدن بازداشت موقت اجباری بود.^۳ با وجود چنین نقطه ضعفی، در مجموع اصلاحات قانونی سال ۱۳۵۲ گامی به پیش در جهت حقوق ناظر بر آزادیهای متهم بود. پس از تصویب و اجرایی شدن این قانون نیز اقدام مهم دیگری که پذیرش حق آزادی و امنیت شخصی در ایران یاری می‌رساند. الحاق ایران به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در بهمن ماه ۱۳۵۴ بود. با این رویداد طبیعی به نظر رسید که بایستی اقداماتی در جهت هرچه بیشتر هماهنگ کردن قواعد آئین دادرسی کیفری ایران از جمله حقوق ناظر بر آزادیهای متهم با موازین حقوق بشری صورت بگیرد. اما نظام مشروطه این مهلت را پیدا نکرد و با انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، این نظام نوپای ایران بود که بایستی تغییرات لازم را در جهت حاکم کردن هرچه بیشتر حق امنیت فردی بر آئین دادرسی کیفری ایران انجام دهد.

۱ مجتبی اشرفی، همان، ص ۱۴-۱۶

۲ همان ص ۷۱-۷۳

۳ آشوری، عدالت کیفری، همان، ص ۶۳

بند سوم: پیروزی انقلاب اسلامی

فصل سوم قانون اساسی ایران مصوب ۱۳۵۸ به عنوان حقوق ملت از میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی تأثیر پذیرفت. این فصل دربرگیرنده ۲۴ اصل است. و شش اصل آن در پیوند با مفهوم امنیت فردی قرار دارد. اصل ۳۲ درباره منع توقیف خودسرانه، حق تفهیم اتهام متهم و رسیدگی به پرونده متهم در اسرع وقت است. اصل ۳۳ در مورد منع تبعید خودسرانه، اصل ۳۴، در مورد قانونی بودن جرم و مجازات، اصل ۳۷ در مورد اصل برائت، اصل ۳۸ مربوط به ممنوعیت شکنجه و بی اعتباری اقرار ناشی از شکنجه و اصل ۳۹ نیز به ممنوعیت هتک حرمت و حیثیت کسانی که آزادیشان به هر دلیلی سلب شده اختصاص پیدا کرده بود. بدین ترتیب با اصول قانون اساسی که به آنها اشاره شد، زمینه لازم برای حفظ امنیت فردی در ایران بیش از پیش فراهم شد ولی این اصول به گونه ای مؤثر در قوانین موضوعه بازتاب نیافته است. در پی پیروزی انقلاب با تدوین قانونهای خاص که ضرورت انقلابی داشت حقوق ناظر بر آزادیهای متهم و هم چنین حقوق دفاعی محدود شد.^۱ اما حتی تا چند سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز قواعد و موازین به تصویب رسیدند که آزادیهای متهمان را کاهش می دهند. برای نمونه براساس ماده ۳۵ آیین نامه دادگاه و دادرسی ویژه روحانیت نوعی قرار بازداشت اجباری پیش بینی و اختیار بسیار گسترده ای برای بازداشت به قضات دادگاه یاد شده اعطا شد. این در حالی بود که آیین نامه مربوط ۱۲ سال پس از پیروزی انقلاب به تصویب رسید. اما اگر از قانونهای خاص صرف نظر کنیم در مورد آیین دادرسی کیفری نیز اصلاحات گوناگونی پس از انقلاب اسلامی به عمل آمد.^۲ در سال ۱۳۷۳ با تصویب قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، قانون آیین دادرسی لغو گردید براساس بند ب ماده ۱۹ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب حق اعتراض به قرار بازداشت موقت از میان رفت ضمن اینکه تا ۵ سال کشور

^۱ غلامرضا، مجتبی اشرفی، مجموعه قوانین اساسی - مدنی، گنج دانش، دی ماه ۱۳۶۵، ص ۱۴ و ۱۵

^۲ آیین نامه دادرسی ویژه روحانیت مصوب مرداد ماه ۱۳۶۹، روزنامه رسمی شماره ۱۳۲۸، ۱۳۶۹/۷/۱۵، ماده ۳۵

^۳ آشوری، آیین دادرسی کیفری، همان، ج ۱، ص ۷۴-۸۶

فاقد آیین دادرسی کیفری بود. تا آنکه سرانجام در سال ۱۳۷۸ قانون جدید آیین دادرسی کیفری به تصویب رسید. از مهمترین این پیامدها میتوان به موارد زیر اشاره نمود. براساس ماده ۳۲ قانون مربوط موارد متعددی برای بازداشت متهم پیش‌بینی شده و اختیار زیادی به مرجع قضایی برای صدور قرار بازداشت اعطا گردیده است.^۱ به استناد به ماده ۳۵ قانون یاد شده قرار بازداشت اجباری برای متهم در فرضهای گوناگونی پیش‌بینی شده است. اگر در اصلاحیه قانونی سال ۱۳۵۲ در اتهام به ارتکاب جرایم چهارگانه: سرقت، کلاهبرداری، جعل و استفاده از سند معجول بازداشت اجباری فرض شده بود. براساس قانون سال ۱۳۷۸ عناوین مجرمانه مستوجب بازداشت اجباری سه برابر شدند. بدین ترتیب که افزون بر چهار جرم سابق، هیئت عنوان مجرمانه قتل عمد، آدم ربایی، اسید پاشی، محاربه، افساد فی الارض، ارتشا و خیانت در امانت نیز مشمول بازداشت اجباری گردیدند موارد بازداشت اجباری به عناوین مجرمانه خاص نیز محدود نمانده است و قانونگذار در کلیه جرایمی که مجازات قانونی آنها اعدام و یا حبس ابد است صدور قرار بازداشت را اجباری کرده است. افزون بر این براساس بند (د) ماده ۳۵، بازداشت در مواردی که آزادی متهم موجب افساد باشد نیز اجباری گردیده است. مندرجات بند (د) ماده ۳۵ به شدت مبهم بود. و زمینه را برای صدور قرار بازداشت‌های گسترده فراهم کرده است. اگرچه براساس ماده ۳۷ به مرجع قضایی تکلیف شده است در پایان یک ماه به بازنگری در قرار بازداشت پرداخته^۲ و برای تجدید قرار بازداشت دلایل و مستندات ارائه دهد اما با عدم تکلیف به فک قرار بازداشت، در حقیقت مدت بازداشت محدود نشده است. به واقع قانونگذار اصل را بر تجدید قرار بازداشت گذارده در حالی که می‌بایست اصل را بر فک قرار بازداشت می‌گذاشت. البته قانون آیین دادرسی کیفری در بردارنده نکات سودمندی نیز در مورد حقوق ناظر بر آزادیهای متهم است. ماده ۲۴ قانون جدید بر مفاد ماده ۲۴ قانون قدیم یعنی محدود کردن مدت تحت نظر قرار دادن به وسیله ضابطان دادگستری تا ۲۴ ساعت و

^۱ بهمن، کشاورز، متن محشای قانون و آیین نامه «اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، مصروف به احیا

داسراها به انضمام: متن مفتح آیین دادرسی کیفری، تهران، کشاورز، ۱۳۸۲ ص ۱۶۳

^۲ همان_صص، ۱۶۴-۱۶۵

نیز تفهیم اتهام به متهم به وسیله ضابط تأکید می‌کند. ماده ۳۳ نیز در مورد قابلیت تجدیدنظر خواهی از قرار بازداشت است. ماده ۳۷ هم بر لزوم مستدل و مستند بودن قرار بازداشت و ماده ۱۲۹ هم بر وظیفه مرجع قضایی به تفهیم اتهام به متهم تأکید می‌کند. با وجود چنین نکات سودمندی در مورد حقوق ناظر بر آزادیهای متهم که البته هیچکدام آنها به جز لزوم مستدل بودن قرار بازداشت دستاورد تازه‌ای نبودند. قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ حق آزادی متهمان را به شدت محدود کرده است و افزودن بر اینکه با اصول قانون اساسی در تعارض است.

بخش سوم: سیر تکاملی امنیت فردی در قوانین کیفری

به دنبال استقرار نظام مشروطیت و بر اثر ملزومات ناشی از قانون اساسی و متمم آن، دولت و مجلس شورای ملی در صدد برآمدند تا قانون آیین دادرسی کیفری را تدوین نمایند. در دوره دوم مجلس شورای ملی و در سال ۱۳۳۰ ق «قانون وقت اصول محاکمات جزایی» تدوین شده و به تصویب رسید. در وهله اول قانونمند کردن جلب و دستگیری و بازداشت اشخاص به تنهایی ارزشمند بود. جدای از این، موارد دیگری نیز در راستای حفظ آزادی متهم در قانون موقتی اصول محاکمات جزایی بازتاب پیدا کرد. چنانچه در ماده ۱۲۱ بر ضرورت مستند کردن اقدام بازپرسی در جلب متهم تأکید می‌گردد. در این ماده بیان گردید: «مستنطق نباید کسی را احضار یا جلب کند مگر دلایل کافی برای احضار یا جلب در دست داشته باشد» ماده ۱۲۳ قانون یاد شده نیز بازپرس را مکلف کرد که که حداکثر به مدت ۲۴ ساعت از متهم که به نزد بازپرس حاضر شده، تحقیق نماید. ماده ۱۲۴ نیز تأکید داشت که به هر حال در هر صورتی که وضعیت ماده ۱۲۳ رخ بدهد، نباید متهم بیش از ۲۴ ساعت در توقیف مانده باشد و از او تحقیق

^۱ همان - صص ۱۸۲-۱۸۳

^۲ آشوری، همان، ج ۲، ص ۱۰۳

صورت‌نگیرد قانون موقتی اصول محاکمات جزایی همچنین از این دیدگاه که بازداشت را اختیاری اعلام می‌کرد نیز برای حقوق ناظر بر آزادیهای متهم اهمیت داشت. در عصر پادشاهی پهلوی وجود دیکتاتوری به طور طبیعی زمینه را برای تعدی به امنیت فردی فراهم ساخت اما نیرومندتر شدن دولت و ایجاد تشکیلات نوین دادگستری و نیز اصلاحات در قانون آئین دادرسی کیفری امکان حاکم کردن نظام دادرسی عادلانه و منصفانه‌تر را به وجود می‌آورد. نظام دادرسی کیفری که در آن حقوق ناظر به آزادیهای متهم نیز بیش از پیش حفظ گردد. در سالهای آغاز پادشاهی رضاشاه، روشنفکران و حقوقدان همچون مشیرالدوله باز عدلیه در ایران به شاه توصیه می‌کنند که تامین امنیت افراد در پناه دادگستری را سرلوحه اعمال خود نماید. در چنین اوضاع و احوالی ایجاد دادگستری از یک سو و تصویب مواد ۲۴ و ۳۸ اصلاحی قانون آئین دادرسی کیفری در سال ۱۳۱۱ ه.ش اقداماتی سودمند در راستای تضمین حقوق ناظر بر آزادیهای متهم بودند. براساس ماده ۳۸، متهم حق داشت از بازپرس که یگانه مرجع برای صدور قرار بازداشت موقت بود رفع توقیف را بخواهد و چنانچه تا ۵ روز از تاریخ تسلیم تقاضانامه به بازپرس تقاضای او انجام نمی‌شد متهم می‌توانست تا ده روز پس از ۵ روز یاد شده به دادگاه ابتدایی شکایت نماید. متهم قادر بود از این حق خود در امور جنحه در دو ماه یکبار و در امور جنایی هر چهار ماه یکبار استفاده کند. افزون بر ماده ۳۸ در ماده ۲۴ گامی در جهت حفظ آزادی متهم برداشته شد و آن مکلف کردن شهربانی به اینکه بیش از ۲۴ ساعت نمی‌تواند متهمی را در توقیف نگاهدارد بود. پس از اصلاحات، دیگر تا سال ۱۳۵۲ در زمینه حقوق ناظر بر آزادیهای متهم در قانون آئین دادرسی کیفری اصلاحاتی به عمل نیامد.^۵ اما در سال ۱۳۵۲ قانون به نام تسریع رسیدگی و اصلاح قسمتی از قانون آئین دادرسی کیفری

^۱ غلامرضا حجتی اشرفی، مجموعه کامل قوانین و مقررات جزایی «با آخرین اصلاحات و الحاقات، تهران، گنج دانش،

چ ۶، ۱۳۶۶، صص ۴۰-۳۹

^۲ آشوری، همان، ص ۶۳

^۳ باستانی یاریزی، محمدابراهیم، محیط سیاسی و زندگانی مشیرالدوله (حسن پیرنیا)، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۴، ص ۳۴

^۴ مجتبی اشرفی، همان، ص ۱۴-۱۶

^۵ همان ص ۷۱-۷۳

به تصویب مجلس شورای ملی رسید. این قانون برای حقوق ناظر بر آزادیهای متهم یک پیامد سودمند و یک پیامد زیانبار داشت. پیامد سودمند آن همانا تبدیل نظام بازداشت موقت نامحدود، به نظام بازداشت موقت محدود با قابلیت تمدید متوالی^۱ و پیامد زیانبار آن به رسمیت شناخته شدن بازداشت موقت اجباری بود. با وجود چنین نقطه ضعفی، در مجموع اصلاحات قانونی سال ۱۳۵۲ گامی به پیش در جهت حفظ حقوق ناظر بر آزادیهای متهم بود. پس از تصویب و اجرایی شدن این قانون نیز اقدام مهم دیگری که پذیرش حق آزادی و امنیت شخصی در ایران یاری می‌رساند. الحاق ایران به میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در بهمن ماه ۱۳۵۴ بود. با این رویداد طبیعی به نظر رسید که بایستی اقداماتی در جهت هرچه بیشتر هماهنگ کردن قواعد آئین دادرسی کیفری ایران از جمله حقوق ناظر بر آزادیهای متهم با موازین حقوق بشری صورت بگیرد. اما نظام مشروطه این مهلت را پیدا نکرد و با انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، این نظام نوپای ایران بود که بایستی تغییرات لازم را در جهت حاکم کردن هرچه بیشتر حق امنیت فردی بر آئین دادرسی کیفری ایران انجام دهد. در پی پیروزی انقلاب با تدوین قانون‌های خاص که ضرورت انقلابی داشت حقوق ناظر بر آزادیهای متهم و همچنین حقوق دفاعی وی محدود شد.^۲ حتی تا چند سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز قواعد و موازین به تصویب رسیدند که آزادیهای متهمان را کاهش می‌دهند. برای نمونه براساس ماده ۳۵ آیین نامه دادگاه و دادرسی ویژه روحانیت نوعی قرار بازداشت اجباری پیش بینی و اختیار بسیار گسترده‌ای برای بازداشت به قضات دادگاه یاد شده اعطا شد. آیین در حالی بود که آیین نامه مربوطه ۱۲ سال پس از پیروزی انقلاب به تصویب رسید. اما اگر از قانون‌های خاص صرف نظر کنیم در مورد آیین دادرسی کیفری نیز اصلاحات گوناگونی پس از انقلاب اسلامی به عمل آمد.^۳ در سال ۱۳۷۳ با تصویب قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، قانون آیین

^۱ آشوری، عدالت کیفری، همان، ص ۶۳

^۲ غلامرضا، مجتبی اشرفی، مجموعه قوانین اساسی - مدنی، گنج دانش، دی ماه ۱۳۶۵، ص ۱۴ و ۱۵

^۳ آیین نامه دادرسی ویژه روحانیت مصوب مرداد ماه ۱۳۶۹، روزنامه رسمی شماره ۱۳۲۸، ۱۳۶۹/۷/۱۵، ماده ۳۵

^۴ آشوری، آیین دادرسی کیفری، همان، ج ۱، ص ۷۴-۸۶

دادرسی لغو گردید براساس بند ب ماده ۱۹ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب حق اعتراض به قرار بازداشت موقت از میان رفت ضمن اینکه تا ۵ سال کشور فاقد آیین دادرسی کیفری بود. تا آنکه سرانجام در سال ۱۳۷۸ قانون جدید آیین دادرسی کیفری به تصویب رسید. از مهمترین این پیامدها میتوان به موارد زیر اشاره نمود.

بخش چهارم: امنیت فردی در اعلامیه حقوق بشر

ماده ۲ اعلامیه حقوق بشر و شهروند سال ۱۷۸۹ حق برخورداری از امنیت را از حقوق طبیعی و غیر قابل انکار در ردیف حق مالکیت تلقی می کند، اما گستره ی حق برخورداری از امنیت در ماده ۲ باقی نمی ماند و مواد ۷، ۸، و ۹ اعلامیه فوق نیز در چارچوب حق برخورداری از امنیت اصول قانونی بودن جرائم و مجازات ها و برائت را تضمین می نمایند.

بند اول: اصل قانونی بودن جرم و مجازات

به لحاظ حقوقی برای آنکه فعل انسانی جرم به شمار آید باید؛ نخست، قانون گذار این فعل را جرم شناخته و کیفری برای آن مقرر کرده باشد (عنصر قانونی)؛ دوم، عمل یا ترک عمل مشخص به منصف ظهور و بروز یا کمینه به مرحله فعلیت برسد (عنصر مادی)؛ سوم، با علم و اختیار ارتکاب یافته باشد (عنصر روانی یا معنوی). اصل قانونی بودن جرم و مجازات، عنصر قانونی جرم می باشد. این اصل مهم نشان دهنده ی حدود آزادی افراد می باشد. همانطور که ذکر گردید این اصل برای اولین بار در قرن ۱۸ در منشور حقوق بشر و شهروند فرانسه آمده بود. در قوانین ایران این اصل در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۲ و ۱۲ این قانون گنجانده شده است. این ماده بیان می دارد « - هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می شود. » و ماده ۱۲ بیان می دارد « حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آنها باید از طریق دادگاه صالح، به موجب قانون و با رعایت شرایط و کیفیات مقرر در آن باشد. » اصل قانونی بودن جرم و مجازات

^۱ صادقی، میرمحمد، جرایم علیه اشخاص، نشر میزان، ۱۳۸۹، ص ۲۲-۲۳

حدود دامنه ی آزادی های فردی را مشخص می نماید و از طرفی با تعیین این حدود، حد و مرزهای دولت نیز شناخته می شود، چراکه دولت و افراد نمی توانند از خط قرمزهای مشخص شده عبور نمایند و دولت نمی تواند برای عملی که جرم انگاری ننموده است اقدام به بازداشت یا مجازات مردم نماید. در حقوق اسلامی دو قاعده اصل قانونی بودن جرم و مجازات را تایید می کند. اصل اباحه و قبح عقاب بلا بیان. اصل اباحه مقدم بر اصل قبح عقاب بلا بیان بود. شیخ طوسی می گوید: «ان الاصل، الاباحه، و الحظر یحتاج الی دلیل».^۱

یعنی «اصل، اباحه اشیا است و هر منعی محتاج به دلیل است.» شیخ صدوق می گوید:

«اعتقادنا ان الاشياء كلها مطلقه حتی یرد فی شیئی منها نهی»^۲

و شیخ مفید می گوید:

«ان کل شیئی لا نص فی حضره فانه علی الاطلاق».^۳

بعدها این اصل تکامل بیشتری یافت. در کلمات سید مرتضی آمده است:

«التکلیف بلا اماره ممیزه متقدمه، قبیح»^۴

و بالاخره در قرون اخیر، توسط میرزای قمی با عبارت «لا تکلیف الا بعد البیان»^۵ گفته شده است. به موجب این تعبیر، هیچ فعل یا ترک فعلی حرام نیست، مگر آنکه دلیل شرعی بر آن دلالت نماید. این قاعده با اصل «قانونی بودن جرم در حقوق معاصر» نزدیک می باشد. قاعده

^۱ طوسی، محمدبن حسن، الخلاف، کتاب الطهاره، مساله ۱۷

^۲ صدوق، الاعتقادات، ص ۱۱۴.

^۳ مفید، تصحیح اعتقادات الامامیه، ص ۱۴۳.

^۴ سید مرتضی، الذریعه، ج ۲، ص ۶۶۵

^۵ قوانین الاصول، میرزای قمی، ج ۲، ص ۱۴

قبح عقاب بلا بیان نخستین بار، در متون شیخ طوسی بیان شده است. در تفسیر تبیان زیر آیه شریفه «و ما کنا معذبین حتی نبعث رسولا» شیخ می گوید:

«این آیه بیانگر آنست که خداوند هیچ کس را بر معاصی و گناهانش عقاب نخواهد کرد، مگر آنکه با حجتها و دلایل و ارسال رسل، وی را آگاه ساخته باشد». سپس در مقام استدلال می گوید: «به خاطر آنکه زشت است [عقلا] که خداوند کسی را عقاب کند، قبل از آنکه او را به مصالح و مفاسدش آگاه ساخته باشد.» نظر شیخ بر آن است که مفاد آیه شریفه بیانگر یک حکم عقلی یعنی «قبح عقاب بلا بیان» است. قبح عقاب بلا بیان مجازات شخص برای عملی که قبلا جرم انگاری نشده است و به اطلاع عموم نرسیده است را زشت و ممنوع می داند. از اصل قانونی بودن جرم و مجازات دو نتیجه به دست می آید که امنیت فرد را مورد حمایت قرار می دهد. عطف بما سبق نشدن قوانین یکی از مهمترین آثار و نتایج مترتبه بر اصل قانونی بودن مجازات عطف به ماسبق نشدن قوانین جزایی و کیفری است. اگر قانونی جایگزین قانون دیگر شود، در مورد تعیین محدوده زمانی هر قانون مسلما اثر آن قانون در محدوده پیدایش و نقض آن قانون باید محدود شود و علی القاعده نباید هیچ قانونی در خارج از این دو مرز قدرت اجرایی داشته باشد. این اصل در اغلب مکاتب حقوق جزایی عرفی مورد پذیرش واقع شده است. بنابراین هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که پس از آن وضع شده و آن را جرم شناخته و برایش مجازات تعیین نموده است، جرم محسوب نشده و مجازاتی را در پی نخواهد داشت. یعنی اثر قوانین جزایی نسبت به آینده است. اثر قانون نسبت به آینده است و قانون نسبت به گذشته قابل اعمال نیست این نتیجه که در ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۳ نیز

^۱ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن ج ۶، ص ۴۵۸ [فانه لا یحسن من الله تعالی مع ذلک ان یعاقب احدا الا بعد ان یعرفه ما هو لطف له و مصلحته...]

^۲ عبدالقادر عوده، حقوق جنایی اسلام، ترجمه اکبر غفوری، ص ۳۶۱.

^۳ در مقررات و نظامات دولتی مجازات و اقدام تأمینی و تربیتی باید به موجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده است و مرتکب هیچ رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل را نمیتوان به موجب قانون مؤخر به مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی محکوم کرد لکن چنانچه پس از وقوع جرم، قانونی مبنی بر تخفیف یا عدم اجرای مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی

آمده است، این موجب می‌گردد، افراد جامعه برای افعالی که در گذشته انجام داده اند و در آن بستر زمانی جرم نبوده است مورد مجازات قرار نگیرند.

تفسیر مضیق قوانین جزایی: از نتایج مهم اصل قانونی بودن مجازات لزوم تفسیر مضیق قوانین جزایی است که امروزه به صورت یک قاعده حقوقی تحت عنوان «قاعده تفسیر مضیق قوانین جزایی» مطرح شده است می‌باشد که براساس این قاعده قضات از تفسیر موسع قوانین جزایی منع شده اند. هر چند که قانونگذار در موقع تنظیم قانون سعی می‌نماید با به کار گرفتن کلمات و جملات صریح و روشن مقصود خود را بیان کند تا همه مصادیق و موارد که مورد توجه او بوده است را شامل شود، ولی باز هم گاهی قانون از وضوح لازم برخوردار نیست لذا داری نقص و اجمال و ابهام، و در بعضی موارد نیز قانون ساکت است. در این گونه قوانین مجریان قانون و محققان به ناچار سراغ تفسیر قانون می‌روند. اما این مطلب نباید موجب آن شود که تفسیر توسعه پیدا کند. اصل مورد بحث حاوی این نتیجه منطقی است که تفسیر در قوانین جزایی باید محدود باشد. از بعضی از آیات و روایات استفاده می‌شود که دلیل جرم بودن

یا از جهاتی مساعدتر به حال مرتکب وضع شود نسبت به جرائم سابق بوضع آن قانون تا صدور حکم قطعی، مؤثر است. هرگاه به موجب قانون سابق، حکم قطعی لازم الاجراء صادر شده باشد به ترتیب زیر عمل می‌شود:

الف- اگر رفتاری که در گذشته جرم بوده است به موجب قانون لاحق جرم شناخته نشود، حکم قطعی اجراء نمی‌شود و اگر در جریان اجراء باشد اجراء آن موقوف می‌شود. در این موارد و همچنین در موردی که حکم قبلاً اجراء شده است هیچ‌گونه اثر کیفری بر آن مترتب نیست.

ب- اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق، تخفیف یابد، قاضی اجراء احکام موظف است قبل از شروع به اجراء یا در حین اجراء از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، اصلاح آن را طبق قانون جدید تقاضا کند. محکوم نیز می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم، تخفیف مجازات را تقاضا نماید. دادگاه صادرکننده حکم با لحاظ قانون لاحق، مجازات قبلی را تخفیف میدهد. مقررات این بند در مورد اقدام تأمینی و تربیتی که در مورد اطفال بزهکار اجراء می‌شود نیز جاری است. در این صورت ولی یا سرپرست وی نیز می‌تواند تخفیف اقدام تأمینی و تربیتی را تقاضا نماید.

تبصره - مقررات فوق در مورد قوانینی که برای مدت معین ویا موارد خاص وضع شده است، مگر به تصریح قانون لاحق، اعمال نمی‌شود.

عمل باید صریح و روشن و قطعی باشد. بنابراین در جایی که جرم بودن عملی قطعی و مسلم نباشد. با تفسیر موسع نمی توان جرم بودن آن را اثبات نمود و مرتکب آن را مجازات نمود. این نتیجه باعث می شود تا دست حکومت برای تحدید آزادی افراد کوتاه شود، چرا که در مقام اجرای قانون نمی تواند بیشتر از خود قانون محدودیت ایجاد نماید و از این طریق امنیت افراد تامین می شود.

بند دوم: اصل برائت

در مورد اصل برائت در حقوق اصطلاحاتی همچون اصل برائت کیفری، فرض بی گناهی متهم، فرض بی گناهی در حقوق کیفری و فرض برائت به عنوان معادل به کار رفته است. در این خصوص برخی اصطلاح (فرض بی گناهی) را به مناسب ترین و صحیح ترین اصطلاح برای معادل اصل برائت داشته اند، در حالی که دو اصطلاح مترادف دیگر نیز بی ربط و بی معنا با اصل برائت نیستند. در حقوق اصل برائت اینگونه بیان می شود که هر امری که توجه آن به شخص مستلزم نوعی زحمت یا زیان یا سلب آزادی و یا ایجاد مضیقه باشد در صورتی که توجه آن به شخص محل تردید باشد، باید آن شخص را از آن کلفت و زحمت مبری نمود. زیرا بدون دلیل قاطع تحمیل کلفت و زحمت به اشخاص روا نیست و برائت اصطلاحی است که مجرم نبودن فرد را در ارتباط با اتهام انتسابی نشان می دهد و در واقع می توان گفت برائت اصطلاح خلاصه شده اصل برائت است. در قانون اساسی اصل برائت در اصل ۳۷ پیش بینی گردیده است که براساس آن (اصل برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد). بر این اساس برخی از حقوقدانان

^۱ توبه، آیه ۱۱۵ و روایت عبدالله ابن سنان از امام صادق (ع) کل شیء حلال و حرام فهو لک حلال حتی تعرف الحرام بعینه فتدعه.

^۲ - شاملو - باقر - مجموعه مقالات علوم جنائی (اصل برائت در نظام های نوین دادرسی) انتشارات سمت - چاپ اول -

معتقدند که قانونگذار قانون اساسی بدون توجه به معیار های تفکیک مرزهای براءت حقوقی از براءت کیفری عباراتی را به کار برده که دربر گیرنده هر دو قلمرو براءت حقوقی و کیفری است. زیرا علی رغم اتخاذ تعریف حقوقی و فقهی از براءت در قلمرو حقوق کیفری از آن استنتاج نموده است بنابراین با توجه به اینکه بهترین تفسیر از قانون تفسیری است که بر نظر قانونگذار مبتنی باشد به طور قطع و یقین می توان مدعی شد که مفهوم براءت کیفری مورد توجه و قصد قانونگذار قانون اساسی بوده است. به نظر می رسد که مهمترین آثار اصل براءت کیفری در حقوق متهم ظاهر می شود زیرا هدف نهایی از پیش بینی اصل براءت کیفری حفظ حقوق و جلوگیری از تضییع حقوق ایشان است. پذیرش اصل براءت کیفری در مقررات قانونی و پیش بینی راهکارهای لازم در تضمین حقوق دفاعی متهم خواهد بود.

از جمله آثار مهم اصل براءت در حقوق متهم عبارتند از:

۱. تکلیف مقام تعقیب به تحصیل و ارائه دلیل علیه متهم
۲. ضرورت اعطای فرصت و امکانات لازم به متهم جهت رفع اتهام از خود
۳. ضرورت تدوین قوانین و مقررات لازم جهت انجام دادن یک دادرسی عادلانه
۴. ضرورت تفسیر شک به نفع متهم
۵. یکسان بودن اعمال اصل براءت نسبت به متهمان اتفاقی و مجرمان با سابقه^۱
۶. حق اعتراض به قرارها و احکام صادره قبل از قطعی شدن آن ها
۷. ممنوعیت اجبار متهم به اثبات بی گناهی خود یا شهادت و اقرار علیه خود^۲

^۱ اشوری محمد- همان - ج ۲ - ص ۲۰۵-۲۰۶

^۲ اصل ۳۸ قانون اساسی

۸. حق برخورداری از شرایط، امکانات، فرصت کافی جهت معرفی و کیل
۹. حق برخورداری از کلیه حقوق اجتماعی، سیاسی قبل از صدور حکم قطعی
۱۰. حق ارائه آخرین دفاع در آخرین مرحله دادرسی^۱

باتوجه به آثار ذکر شده می توان اصل براءت را به عنوان ((ام الاصول)) در دادرسی کیفری تعبیر کرد، زیرا موجب پیشگیری از خود سری قضات و ظابطان دادگستری در بازداشت و سلب حقوق شهروندان شده، آزادی آنان را تامین می کند، در موارد بر چسب زنی و اتهام امکان اعمال اجبار شکنجه علیه او را از بین می برد و با تضمین حق سکوت متهم، مقام تعقیب را مکلف به اثبات جرم اتهامی می کند.^۲

بخش پنجم: امنیت اقتصادی در قوانین کیفری

امنیت اقتصادی، وضعیت باثباتی از شرایط و ساختار فعلی و افق معلوم و روشنی از آینده است که در آن فرد، جامعه، سازمان و دولت احساس رهایی از خطر کرده و به طور بهینه می توانند به تولید، توزیع و مصرف ثروت پردازند. به عبارت دیگر یک جامعه را زمانی می توان از لحاظ اقتصادی ایمن دانست که ثبات در آن جامعه وجود داشته و خانوارها و بنگاهها به عنوان مهم-ترین نهادهای اقتصاد و بازار بتوانند در محیط رقابتی سالم و با میزان اطلاعات یکسان به بهینه-سازی رفتار خود پردازند. اقتصاد در زندگی افراد جامعه، نقش بی بدیلی را ایفا می کند و به دلیل برخورد مستقیم با زندگی مردم، اساسی بوده و به هیچ عنوان نمی توان آن را نادیده گرفت؛ به نحوی که به نقل از معصومین، نابسامانی در حوزه اقتصاد نه تنها باعث اخلال در

^۱ شاملو، باقر - همان - ص ۲۷۹

^۲ شمس ناتری، محمد ابراهیم، مجموعه مقالات علوم جنائی (اصل براءت و موارد عدول از ان در حقوق کیفری) انتشارات

سمت - چاپ اول - ۸۳ ص ۲۹۰

^۳ همان

حوزه-های دیگر زندگی می شود بلکه دین و معاد انسان را نیز تحت تأثیر خود قرار می دهد.^۱ قوانین کیفری، با قراردادان ضمانت اجرای لازم برای افعالی که موجب کاهش امنیت اقتصادی می شوند موجب افزایش امنیت اقتصادی می شوند. با توجه به اینکه امروزه امنیت اقتصادی یکی از تهدید های مهم امنیت بشمار می آید و فقدان این امنیت موجب از بین رفتن امنیت روانی افراد می گردد. در قانون مجازات اسلامی در مورد تهدیدهای اقتصادی ضمانت اجرایی در نظر گرفته نشده است.

نتیجه گیری

امنیت در لغت به معنای مصون بودن از هر گونه تهدید و تعرض است. مفهوم امنیت در گذر زمان تحت تاثیر شرایط زمانی و مکانی تغییر نموده است. امنیت در هر دوره‌ی زمانی با توجه به منبع تهدید شکل می گرفته است. در حکومت‌های پادشاهی و تا قبل از شکل گیری سازمان ملل، مهمترین دغدغه امنیتی هر کشور، تجاوز توسط همسایه یا کشور دیگر محسوب می شده است در این دوره امنیت بیشتر ناظر بر امنیت نظامی بود. این مفهوم از امنیت تا پایان جنگ سرد، که میدان قدرت نمایی دو ابر قدرت شوروی به عنوان بلوک شرق و کمونیست و آمریکا به عنوان بلوک غرب و لیبرالیسم ادامه داشت. بعد از فروپاشی شوروی، آنچه کشورها را تهدید می نمود قدرت اقتصادی سایر کشورها بود، صنعتی شدن و گسترش روابط بین المللی بین کشورها و تجارت آزاد، موجب گردید کشورها امنیت اقتصادی را به عنوان چالش جدید خود در پیش رو داشته باشند. از ابتدای قرن بیستم جهان شامل دو جنگ مخرب و بی رحم بود این جنگ در کنار آلودگی های ناشی از صنعتی شدن جهان آسیبهای جبران ناپذیری به محیط زیست وارد آورده بود و در کنار مفاهیم امنیت اقتصادی و نظامی، امنیت محیط زیست نیز مورد توجه قرار گرفت. پس از شکل گیری سازمان ملل و صدور منشور حقوق بشر، امنیت در سایه ی امنیت انسانی قرار گرفت و سایر انواع امنیت به علت اینکه زیست بشر وابسته به آن می باشد مورد

^۱ امام علی (ع) می فرماید: فان الفقر منقصة للدين مدهسه للعقل داعيه للمقت و یا در حدیث دیگری می خوانیم: من لا معاش له لا معاد له

توجه قرار گرفته است. تغییر در مفهوم امنیت بر مقررات کیفری کشورها نیز تاثیر گذار بود. در مقررات کیفری تنها به رفتار آسیب زنده‌ی افراد به دولت مد نظر نیست، بلکه قوانین برای حفظ و جلوگیری از بین بردن امنیت اقتصادی و امنیت محیط زیست تصویب شده است. به عنوان مثال برای حفاظت و امنیت محیط زیست قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا، قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست و آیین نامه نحوه جلوگیری از آلودگی آب به تصویب رسیده است. یا در قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور، قانون بورس و اوراق بهادار به حمایت از امنیت اقتصادی نظر داشته است. در عرصه قانونگذاری، قانونگذار با تغییرات مفهوم امنیت و بر اساس نیازهای روز اقدام به تصویب یا اصلاح مقررات خود نموده است. قانونگذار در تصویب این قوانین علاوه بر اینکه به حق حاکمیت خود نظر داشته است اما همزمان امنیت فرد را که تحت تاثیر امنیت محیط زیست و امنیت اقتصادی می باشد را حفظ نموده است. در عرصه قوانین شکلی همانطور که بیان گردید در برخی موارد قانونگذار برای جرایمی که علیه امنیت اقتصادی رخ می دهد رویه و مرجع خاصی برای رسیدگی در نظر گرفته است به عنوان مثال در قانون بورس و اوراق بهادار شورای بورس را به عنوان مرجع شکایت در نظر گرفته است.

منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

- ۱- آشوری، داریوش، عدالت اجتماعی، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۶،
- ۲- آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، تهران: انتشارات سهروردی و مروارید، چاپ اول، بهار ۱۳۶۶
- ۳- آنتونی، گیدنز، مبانی جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، ۱۳۸۹
- ۴- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، محیط سیاسی و زندگانی مشیرالدوله (حسن پیرنیا)، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۴
- ۵- برومند، شهزاد و همکاران؛ امنیت اقتصادی در ایران و چند کشور منتخب (مطالعه تطبیقی)، تهران، مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷، چاپ اول
- ۶- بوزان، باری؛ مردم، دولتها و هراس، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸
- ۷- زرنگ، محمد، کتاب تحول نظام قضایی ایران در ۲ جلد، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- ۸- ساکی، محمد رضا؛ حقوق کیفری اقتصادی، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۹، چاپ اول
- ۹- شاملو، باقر، مجموعه مقالات علوم جنائی (اصل برائت در نظام های نوین دادرسی) انتشارات سمت، چاپ اول
- ۱۰- شمس ناتری، محمد ابراهیم، مجموعه مقالات علوم جنائی (اصل برائت و موارد عدول از آن در حقوق کیفری) انتشارات سمت، چاپ اول

ب) منابع عربی

- ۱- شیخ صدوق و شیخ مفید، اعتقادات الإمامیه و تصحیح الاعتقاد، تصحیح عصام عبدالسید و حسین درگاهی، قم، کنگره شیخ مفید، چ ۲، ۱۴۱۴
- ۲- صدوق، الاعتقادات، المؤتمر العالمی لالیفیه الشیخ المفید، قم، ۱۲۸۷ هـ- ق
- ۳- طوسی، محمدبن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن ج ۶، تهران، مطبعه رنگین، ۱۳۷۵ هـ- ق
- ۴- طوسی، محمدبن حسن، الخلاف فی الفقه، کتاب الطهاره المجله الاول، تهران، مطبعه رنگین، الطبعه الثانيه، ۱۳۷۷ هـ ق
- ۵- علم الهدی، سید مرتضی، الذریعه، ج ۲، از مجموعه الجوامع الفقیهیه، ۱۲۷۶ هـ- ق



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی